«چارلز هیل»، مشاور ارشد پیشین «رونالد ریگان» و «هنری کیسینجر» در گفت‌وگو با «شرق»:

توافق با ایران از منظر روس‌ها نشانه ضعف آمریکاست

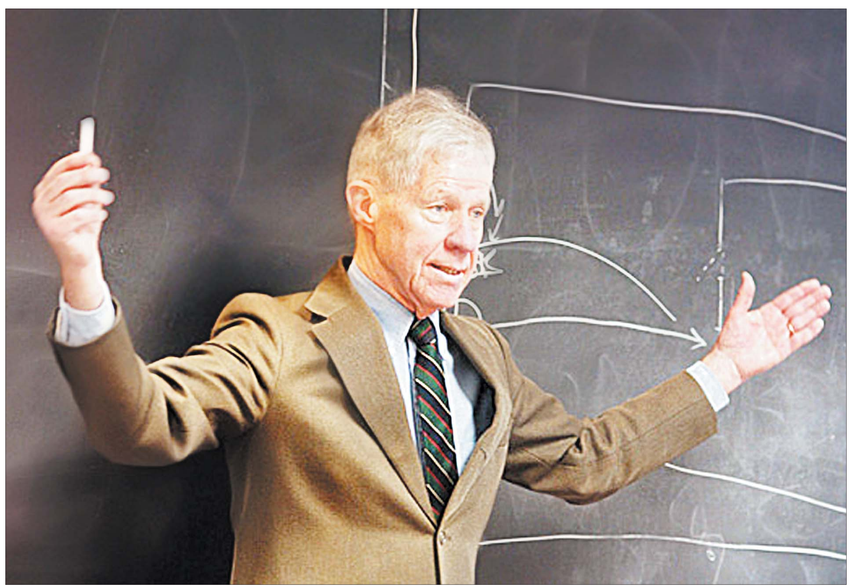

نوژن اعتضادالسلطنه

لحن گفتارش نشان می‌دهد که یک واقع‌گرای تام و تمام در عرصه تحلیل روابط بین‌الملل و جهت‌گیری قدرت‌های جهانی نسبت به یکدیگر است. تأکیدش بر نقش دولت‌هاست و بیش از آنکه بر همگرایی‌ها تأکید کند، به تعارض‌ها و سنتزها توجه دارد. با همین رویکرد علت اصلی موافقت روسیه با توافق هسته‌ای را تضعیف قدرت آمریکا و اروپایی‌ها در این دور از مذاکرات قلمداد می‌کند و معتقد است روس‌ها درصدد استفاده از چنین فرصت مغتنمی برای افزایش حوزه نفوذ خود هستند. «چارلز هیل» ۷۹ ساله استاد دانشگاه در حوزه مطالعات بین‌المللی در دانشگاه «ییل» آمریکا و مشاور ارشد پیشین «هنری کیسینجر» و «جورج شولتز» وزرای خارجه پیشین آمریکا، «رونالد ریگان»، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا و «بوش غالی»، ششمین دبیرکل سازمان ملل متحد در گفت‌وگو با «شرق» از ناامیدی‌اش نسبت به تغییر سیاست روسیه در قبال بحران سوریه گفت. پژوهشگر مؤسسه «هوور» در دانشگاه استنفورد که به تدریس دروسی چون استراتژی کلان و استراتژی نظم جهانی مشغول است، درباره بحران اوکراین نیز باور دارد که روس‌ها خواستار لغو تحریم‌ها و اعطای امتیازات از سوی غرب با الگوبرداری از روند مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ خواهند بود. او در ادامه مصاحبه به جنبه‌های مختلف دیگری از تاثیر توافق هسته‌ای بر روابط روسیه و آمریکا و همچنین تاثیر آن بر معادلات منطقه خاورمیانه اشاره و سناریوی جالب‌توجهی درباره واکنش احتمالی رژیم اسرائیل نسبت به استقرار سامانه موشکی اس-۳۰۰ روسیه در ایران و تبعات پس از آن مطرح کرد.

■ ارزیابی شما درباره روابط روسیه و آمریکا پس از توافق هسته‌ای چیست؟

روابط روسیه و آمریکا احتمالا به بدترین حد ممکن خواهد رسید. روسیه توافق ایران و آمریکا را نشانه دیگری قلمداد خواهد کرد و بر این گمان خواهد بود که حقوق تحریم‌ها علیه آن کشور را بر این تصور خواهد بود که حقوق تحریم‌ها علیه آن کشور را با روبکرد «نرم» اخیر ایالات متحده در قبال ایران در تناقض خواهد بود.

■ پرزیدنت اوباما در مصاحبه اخیر خود با «توماس فریدمن» روزنامه‌نگار «نیویورک تایمز» گفت که امتیازات داده‌شده به ایران از سوی ایالات متحده و لغو تحریم‌های اعمال‌شده علیه آن کشور روسیه را به طرح مطالباتی مشابه درباره موضوع اوکراین و تحریم‌های وضع و اعمال‌شده از سوی آمریکا علیه مسکو به دلیل مداخله در امور کشور همسایه ترغیب خواهد کرد. روسیه از تصمیم پرزیدنت اوباما برای خارج‌کردن آمریکا از نقش رهبری آن کشور در خاورمیانه و عاملی برای تسهیل ارتقای موقعیت و قدرت ایران در منطقه می‌داند. روسیه این موضوع را به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف ایالات متحده در ایجاد ثبات در عراق، سوریه و یمن دانسته باشد. اما اسرائیل نظر متفاوتی در این‌باره دارد و همین دیدگاه آمریکا موجب شده شکافی میان کاخ سفید و متحدان دیرینه‌اش در منطقه ایجاد شود. در همین اساس، همچنان که توجه دولت اوباما به ایران نیز مشهود است، نگاه اسرائیل به دولت بعدی آمریکا معطوف شده و منتظر فرصت مناسبی خواهد بود تا اهداف خود را پیگیری کند. تل‌آویو در شرایطی که امیدی به بهبود روابط و دیدار باراک اوباما و نتانیاهو در آینده نزدیک ندارد، امیدوار است رئیس‌جمهور بعدی آمریکا، حق‌مدار نظر حزبی که به آن تعلق دارد بعد متفاوتی به ایران داشته باشد.

عربستان-آلمان غربی دهه ۱۹۶۰

معقول‌ترین توضیح برای رفتار تهاجمی این روزهای عربستان سعودی از این باور ناشی شده که آمریکا قصد دارد روابط کسترده‌ای با ایران برقرار کند و این روابط را در خصوص مسائل مختلف منطقه‌ای گسترش دهد[۲]. دلسردی عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس از آمریکا به حدی رسیده که آنها اشارائی درباره قصد خود برای حمایت بیشتر از نیروهای اسلام‌گرا در سوریه داشته‌اند. البته آمریکا در گذشته نیز با معضل مشابهی در قسمت مدیترانه مواجه شده بود. رویرو بوده شده است؛ ازجمله «آلمان غربی» در دوران جنگ سرد.

درست مانند عربستان امروز، رهبران آلمان غربی نیز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نسبت به اعتبار حمایت‌های امنیتی آمریکا از خود نگران بودند و واهمه داشتند که مبادا فشارهای داخلی در آمریکا به منظور صرف هزینه‌های کمتر در زمینه استقرار نیروهای نظامی آمریکا در مناطق بورسری و خارج از مرزهای این کشور، در نهایت موجب شود آمریکا نیروهای نظامی خود را از اروپا خارج کند. رهبران آلمان غربی همچنین از نقش‌های آمریکا در دهه ۱۹۶۰ برای دستیابی به معاهدات کنترل تسلیحاتی با اتحاد جماهیر شوروی خبحس بودند. اما تصمیم‌گیران سیاسی آمریکا بعدی راهگردن مذاکره با روس‌ها برای جلب رضایت آلمان غربی، استراتژی فشار قهرآمیز را در پیش گرفتند. آمریکا در آن زمان به آلمان وعده داد چنانچه از برنامه‌های هسته‌ای خود صرف‌نظر کند، از امتیازاتی چون تداوم حمایت‌های نظامی آمریکا برخوردار خواهد شد و آمریکا به تعهدات خود در قبال آلمان میبر بر حضور دائمی سربازان آلمانی آمریکا در خاک آلمان و الحاق این کشور به «کوه» برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو» عمل خواهد کرد. عربستان نیز مانند آلمان غربی، به‌منظور تحقیق تسلیحات جنگی، آموزش‌های نظامی و حمایت و پشتیبانی به آمریکا و شرکایش وابسته و ارتباط تجارت نفتی و تسلیحاتی با آمریکا و کشورهای اروپایی است. اما با توجه به استراتژی مهم سیاست‌توسعه مسلم‌کردند نیروهای نظامی و ارتش عربستان را به‌طور کامل فلج کند[۳].

باین‌حال واقعیت این است که مشکلات داخلی و خارجی امروز عربستان و قدرت آمریکا برای پذیرش توافق با ایران به این معنی نخواهد بود که مخالفت سرسختانه خود با سیاست تشنج‌زدایی را نادیده بگیرد. درواقع، عدم توانایی عربستان و متحدان منطقه‌ای ریاض به این معنی نیست که آنها چنین سیاستی را می‌پذیرند. آنها همچنان متعهد خواهد بود تا سیاست اوباما را به چالش بکشند و همچنان به مبارزه علیه ایران و سیاست‌های تهدیدآمیز در پیش. سوریه و عراق ادامه خواهد داد که احتمالا تنجه‌اتی تشدید تنش‌ها با آمریکا خواهد بود[۴].

چین: موازنه قدرت در خاورمیانه

«زبیگنیو برژینسکی»، مشاور چیرگرای امنیت ملی آمریکا در دولت «جیمی کارتر»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، در گفت‌وگو با روزنامه هافینگتون درباره آثار احتمالی توافق ایران و آمریکا بر روابط واشنگتن- پکن گفته است: «با به‌سرانجام‌رسیدن این توافق، احتمال اینکه روابط آمریکا و چین جدی‌تر شود، زیاد است. باید درک کرد که عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای، دو موضوع بلندمدت هستند که در حیطه همگرایی‌های منطقه‌ای و چین دیده می‌شوند. تصمیم چین‌ها برای همکاری با آمریکا درمورد ایران در لحظه کنونی و تلاش برای به‌سرانجام‌رسیدن مذاکرات، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تکامل در روابط بین آمریکا و چین است».

باین‌حال برخی از کارشناسان ازجمله «مایکل سینک»، کارشناس و مشاور سیاسی کاخ‌سفید. در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی چنین خوش‌بین نیستند. سینک در گزارشی برای اندیشکده واشنگتن نوشته است: «از آنجایی که ایران از نظر چین، عنصر مرکزی در گهرند اقتصادی دوحه ایرانیه این کشور است و نقش به‌ظاهر براهمیتی در محاسبات منطقه‌ای چین دارد، تهران را عاملی ضروری در مقابله با نقش محوری واشنگتن در آسیا و برتری نیروی دریایی آمریکا می‌داند. به‌همین‌دلیل با لغو تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، چین حضور خود در اقتصاد این کشور را افزایش خواهد داد[۵]. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا پس از توافق و کاهش تنش میان ایران و غرب، توان قدرت میان چین و آمریکا در خلیج‌فارس تغییر می‌کند؟

واقعیت این است که چین همواره به ایران به‌عنوان وزنه‌ای سیاسی و راهبردی در قلب خاورمیانه نگاه کرده است؛ اما با توجه به استراتژی مهم سیاست‌توسعه مسلم‌کردند نیروهای خود، دلبستگی خاورمیانه‌ای به چین هیچ‌گاه در عرصه بین‌المللی برای بسط پیوندهای راهبردی و تجارت ندارد؛ حتی روسیه. برهمین‌اساس، درحال‌حاضر یکن توسعه سیاسی- فرهنگی و ارتباط بیشتر با ایران جدید را با توجه به همکاری ایران با غرب در مسئله هسته‌ای که‌همچنین در مقیاس جهانی، همچنین اساسا، چین ایران را نه‌تنها برای حفظ جریان آزاد نفت از خلیج‌فارس، بلکه به‌عنوان گره‌گشای آرامی امنیتی خود سیاسی حیاد چراغه در نظر دارد؛ تنکه «ساالاا» یکی از مهمترین گره‌گشاهای دریایی جهان به حساب می‌آید که روزانه بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت از آن عبور می‌کند. بخش عمده نفت خلیج‌فارس برای بازار کشورهای آسیایی و چین از این تنکه عبور کرده و به دست مشتریان آن می‌رسد. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از صادرات چین نیز از طریق این اقیانوس انجام می‌شود. بنابراین حفظ دیرپا دست نخل می‌شود. البته به حضور و تسلط ناوهای آمریکایی در تنگه‌ای مسیر این تنکه و در شایع وقوع بحران اساسی میان چین و کره‌ای در آینده. خط لوله ایران‌پاکستان و همچنین انتقال ایران به خطوط کاری ترکمنستان به سمت چین، تابع تنگنای مناطق حیاتی یکن بوده و می‌تواند این تنکه را دور بزند.

از دیگر سو، نزد مقامات و تحلیلگران چینی، ایران همواره به‌عنوان ابزار مؤثر جانفزایی برای چین در مقابل آمریکا بوده و همچنان مایل است شرایط پس از توافق نهایی نیز به‌گونه‌ای پیش رود که یکن از این کارت استفاده کند؛ برای نمونه، همکاری‌های نظامی ایران و چین پس از سال ۱۹۹۷ همواره در بالاترین سطح قرار داشته‌اند. به‌همین‌دلیل با تایوان بوده و کمتر به صورت عنصری مستقل و در پاسخ به نیازمندی‌ها و درخواست‌های طرف ایرانی بوده است. اکنون نیز چین مترصد گسترش همکاری‌های دفاعی با تهران بوده و واقف است که تقویت سیستم‌های دفاعی ایران و تبلیغات ضدایرانی بیرامون آن، کاخ سفید را با چالشی جدی روبه‌رو خواهد کرد. بدین‌ترتیب، از اعتبار گونه نظامی ایران کاسته خواهد شد. البته چین و ایران در حالی است که آمر اوایاها بخواهد کنکره و لابی اسرائیلی را حتی پس از توافق نهایی روی میز مذاکره نیاز دارد.

روسیه: ادامه دشمنی با آمریکا

برای روسیه نیز شاید مانند چین، نگرانی اصلی این است که آمریکا با راهشدن از تعهداتش در خاورمیانه و ارویایی بر سر موضوع هسته‌ای با طرف ایرانی اتخاذ کرد، چراکه این مسئله را نشانه‌ای از ضعف آمریکا و ارویایی‌ها قلمداد کرد و تصمیم گرفت با همراهی‌کردن مذاکره‌کنندگان برای دستیابی به توافق، روند تضعیف رقبایش را تکمیل کند.

■ از همکاری روسیه در جریان آخرین دور مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای گروه ۵+۱ شگفت‌زده شده است. به‌نظر شما علت ایفای نقش مثبت روسیه در این دور از مذاکرات چه بود؟

روسیه نقش مثبتی در قبال مذاکرات آمریکایی- پرونده هسته‌ای ایران، ترکیه و تمرکز بیشتری باید تا روسیه را از دریای بالتیک تا قفقاز محاصره کند. از منظر مسکو، تهدید آمریکا برای تضعیف نفوذ اوکراین به تسلیحات هسته‌ای ایران و غرب نیازمند صرف مدت‌زمانی طولانی است و به‌همین خاطر تا زمان به‌ثمررسیدن تلاش‌های دو طرف، حضور روسیه و چین در بازار ایران ادامه خواهد یافت. نظر شما درباره چنین استدلالی چیست؟

روسیه به ایران به‌عنوان بازاری برای صادرات تسلیحات روسیه و فروش محصولات تجاری می‌نگرد و به‌سرعت در جهت بهره‌برداری از این فرصت استفاده خواهد کرد. در این میان رقابت میان روسیه و اروپایی‌ها برای کسب سهم در بازار ایران به‌نفع ایرانیان خواهد بود.

■ به‌نظرتان توافق هسته‌ای چه تاثیری روی رقابت روسیه در بخش انرژی (به‌خصوص تولید و صادرات نفت) خواهد گذاشت؟ آیا بازگشت ایران به بازارهای بین‌المللی در حوزه انرژی تهدیدی علیه روسیه و آمریکا خواهد بود؟

بازگشت ایران به بازار انرژی بین‌المللی تنها تاثیر اندکی بر روسیه خواهد گذاشت. به کمانم این موضوع تاثیری بر آمریکا نخواهد داشت، چراکه فناوری‌های جدید استخراج و تولید شدت آن در آمریکای شمالی مورداستفاده قرار می‌گیرند و ایالات متحده از این نظر با کمبودی مواجه نیست.

■ در سال ۲۰۰۹ میلادی، پرزیدنت اوباما گفت که دلیل اصلی استقرار سامانه‌های موشکی ناتو در مرز کشورهای اروپایی با روسیه به دلیل وجود تهدید از جانب ایران است. آیا دیگر می‌کنید پس از توافق هسته‌ای و کاهش احتمالی احساس خطر آمریکا نسبت به وجود تهدید امنیتی و نظامی از جانب ایران می‌توانیم شاهد همکاری بیشتر میان آمریکا و روسیه درباره مسئله موشک‌های ناتو و حل مناقشه دو کشور بر سر این موضوع باشیم؟

لغو تحریم‌های اسرائیل بر سر موضوع هسته‌ای با طرف ایرانی اتخاذ کرد، چراکه این مسئله را نشانه‌ای از ضعف آمریکا و اروپایی‌ها قلمداد کرد و تصمیم گرفت با همراهی‌کردن مذاکره‌کنندگان برای دستیابی به توافق، روند تضعیف رقبایش را تکمیل کند.

■ ارزیابی شما درباره تاثیر احتمالی توافق هسته‌ای بر همکاری‌های آمریکا و روسیه درباره مسئله اوکراین چیست؟ آیا می‌توان انتظار تجدیدنظر کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده درباره تحریم‌های وضع‌شده علیه روسیه را داشت؟

تصمیم پرزیدنت اوباما برای خارج‌کردن آمریکا از نقش رهبری آن کشور در خاورمیانه و عاملی برای تسهیل ارتقای موقعیت و قدرت ایران در منطقه می‌داند. روسیه این موضوع را به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف ایالات متحده

■ ارزیابی شما درباره تاثیر توافق هسته‌ای بر روند همکاری میان آمریکا و روسیه بر سر خلع تسلیحات کشتار جمعی و کاهش تعداد سایر سلاح‌ها، ازجمله تسلیحات هسته‌ای دو کشور خواهد داشت؟

کل موضوع خلع تسلیحات هسته‌ای به سبب توافق هسته‌ای آمریکا و ایران با عقب‌گردی جدی مواجه خواهد شد. به کمانم پیمان منع گسترش تسلیحات احتمالا به خودی خود تضعیف خواهد شد. در نتیجه، احتمالی برای تلاش آمریکا و روسیه به منظور کنترل تسلیحات‌شان در راستای بهبود وضعیت این حوزه قائل نیستم. این موضوع زمانی جدی‌تر می‌شود که به نظر می‌رسد کمانه‌زنی‌هایی جدی درباره احتمال دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و رقابت سایر دولت‌های خاورمیانه در همان زمان با ایران بر سر این موضوع به وجود خواهد آمد.

■ ارزیابی شما درباره چشم‌انداز همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه (به‌ویژه درباره موشک‌های اس-۳۰۰) و تاثیر آن بر روابط روسیه و آمریکا چیست؟

به احتمال زیاد برنامه ایران و روسیه برای استقرار سامانه موشکی زمین به هوا (اس-۳۰۰ روسیه) با پیشرفت در سال‌های پیش‌رو همراه خواهد بود. در آن صورت رژیم اسرائیل نمی‌تواند اجازه دهد سامانه مستقر شود؛ چراکه این موضوع راه را بر قابلیت آن رژیم برای حمله نظامی علیه تاسیسات ایران می‌بندد؛ در نتیجه، احتمال حمله نظامی هوایی اسرائیلی‌ها علیه سامانه اس-۳۰۰ پیش از استقرار آن در ایران وجود خواهد داشت. این موضوع می‌تواند از سوی روسیه و ایران به‌عنوان رویدادی قلمداد شود که سبب افزایش فشارهای جدی بین‌المللی بر رژیم اسرائیل خواهد شد و از نظر دولت اوباما به‌عنوان دوری بیشتر رژیم اسرائیل و آمریکا از یکدیگر و همچنین کاهش چشمگیر حمایت‌های سنتی آمریکا از آن رژیم قلمداد خواهد شد. این موضوع سبب خواهد شد تا رژیم اسرائیل به‌شدت در جهان منزوی شود.

■ آیا احتمال تغییرات اساسی در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال روسیه پس از پایان ریاست‌جمهوری اوباما وجود خواهد داشت؟

قطعا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و انتخاب رئیس‌جمهوری جدید از حزب جمهوری‌خواه و چه دموکرات سبب تغییر در سیاست کلی‌ایالات متحده در قبال ایران، روسیه و کل جهان خواهد شد.

نگاهی به مناسبات دیپلماتیک واشنگتن در فضای ستاوقاق

انقلاب در سیاست خارجی واشنگتن

بهاره محبی: «دستیابی به توافق هسته‌ای فقط آغاز راه است. هدف «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، تنش‌زدایی کامل با ایران به‌عنوان ابزاری دست‌مدان آمریکاست. این تنش‌زدایی زمینه را برای همکاری بیشتر با ایران برای مسائل منطقه فراهم خواهد کرد. درواقع، تنش‌زدایی به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که از خاورمیانه خارج شود و روی اولویت‌های سیاست خارجی و داخلی دیگرش تمرکز کند».

این بخشی از یادداشت «مایکل دوران»، دستیار معاون پیشین وزیر دفاع آمریکا[۱]، درباره تاثیر توافق هسته‌ای ایران بر سیاست خارجی آمریکاست. جیم‌اندازی که برخی از متخصصان آمریکایی به‌ویژه در اسرائیل نیز در این‌باره مطرح می‌کنند، منفی بودن از این استراتژی تحت‌تاثیر سیاست‌های دولت اوباما در قبال بحران سوریه است. پژوهشگر مؤسسه «هوور» در دانشگاه استنفورد که به تدریس دروسی چون استراتژی کلان و استراتژی نظم جهانی مشغول است، درباره بحران اوکراین نیز باور دارد که روس‌ها خواستار لغو تحریم‌ها و اعطای امتیازات از سوی غرب با الگوبرداری از روند مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ خواهند بود. او در ادامه مصاحبه به جنبه‌های مختلف دیگری از تاثیر توافق هسته‌ای بر روابط روسیه و آمریکا و همچنین تاثیر آن بر معادلات منطقه خاورمیانه اشاره و سناریوی جالب‌توجهی درباره واکنش احتمالی رژیم اسرائیل نسبت به استقرار سامانه موشکی اس-۳۰۰ روسیه در ایران و تبعات پس از آن مطرح کرد.

■ دوران پس از توافق هسته‌ای روابط روسیه و آمریکا احتمالا به بدترین حد ممکن خواهد رسید

■ سیاست روسیه در قبال سوریه تغییری نمی‌کند، اما فشارها برای تغییر روبه آمریکا در قبال بحران سوریه تشدید می‌شود

■ روسیه تداوم تحریم‌های آمریکا علیه مسکو را با رویکرد نرم واشنگتن در قبال تهران در تناقض می‌بیند

اسرائیل: تداوم و تشدید اختلاف‌ها

در اسرائیل «بنیامین نتانیاهو» همچنان از توافق هسته‌ای با ایران که آن توان جلوگیری از آن را نداشت، خشمگین است و از سوی دیگر در حال تشکیل کابینه است. راستی تندرویی است که نتیجه‌ای جز ایجاد تنش‌های بیشتر میان آمریکا و اسرائیل بر سر موضوعاتی چون شهرک‌سازی و روند مذاکرات صلح نخواهد داشت. به‌همین‌دلیل است که دولت اوباما اشارائی داشته مبنی بر اینکه آمریکا، ممکن است به‌دنبال قطع‌نامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان‌ملل متحد باشد که چارچوبی سیاسی در موضوع راه‌حل دو کشوری را تأیید کند. به اعتقاد کارشناسان، دولت آمریکا بر این باور است که ایران می‌تواند نقش برایی برای یادآوری به آمریکا و اسرائیل در منطقه باشد. روسیه همچنان به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف ایالات متحده تلقی می‌شود. در نتیجه، واشنگتن می‌تواند برای جلوگیری از دستیابی سعودی‌ها به تسلیحات هسته‌ای، راه‌ها را تشویق به تعامل با ایران به‌عنوان قدرتی در خاورمیانه خواهد کرد تا از شیعیان منطقه برای خنثی‌کردن تهدیدات متوجه از سوی مسلمانان سنی در ناحیه مرزهای جنوبی روسیه استفاده کند. این موضوع از سوی ایالات متحده مورداستقبال قرار خواهد گرفت و تنش میان آمریکا و روسیه را افزایش خواهد داد.

■ آیا ممکن است توافق هسته‌ای به همکاری‌های احتمالی واشنگتن- مسکو در مبارزه علیه تروریسم (به‌خصوص گروه تروریستی داعش) بینجامد و سبب گسترش همکاری آن دو کشور برای پایان‌دادن به بحران سوریه شود؟ آیا باید منتظر تغییر رویکردی در سیاست خارجی روسیه و آمریکا در قبال بحران سوریه باشیم؟

سیاست روسیه در قبال سوریه در سطح کنترده‌ای در آینده بدون تغییر باقی خواهد ماند. احتمالا فشارهایی از درون نظام سیاسی آمریکا برای اتخاذ موضع سرسخت‌تر از سوی دولت آمریکا علیه داعش و همچنین برای ایجاد ائتلافی علیه رژیم «بشار اسد» در سوریه اعمال خواهد شد. استدلال پشت این فشار آن خواهد بود که ایالات متحده نیازمند اتحاد اقداماتی خواهد بود تا در مقابل ایران نشان دهد که قدرتش تضعیف نشده و به‌همین‌خاطر می‌بایستی گام‌های اساسی برای پایان‌دادن به عمر رژیم اسد در سوریه بردارد. بااین‌حال، احتمالا این فشارها در مقاعدکردن تصمیم‌گیرندگان سیاسی در آمریکا به‌منظور تغییر سیاست در قبال سوریه مادامی که اوباما در مقام ریاست‌جمهوری قرار دارد، بی‌تاثیر خواهند بود.

■ آیا پس از توافق هسته‌ای می‌توان انتظار بازشدن باب گفت‌وگو میان آمریکا و روسیه بر سر مسئله فلسطین و گفت‌وگوهای فلسطینی- اسرائیلی داشت؟

خیر. مشکل رژیم اسرائیل و فلسطین در آینده نزدیک به امری دشوارتر از مناقشه طولانی‌مدت سال‌های گذشته بر سر برنامه هسته‌ای ایران تبدیل خواهد شد. رژیم اسرائیل به میزان زیادی از سوی ایران احساس تهدید خواهد کرد و به همین دلیل راضی به صلح با فلسطینیان نخواهد شد. همچنین بی‌اعتمادی زیادی رژیم اسرائیل به آمریکا نیز افزایش خواهد یافت.

■ ارزیابی‌تان درباره تاثیر احتمالی توافق هسته‌ای بر همکاری‌های آمریکا و روسیه درباره مسئله اوکراین چیست؟ آیا می‌توان انتظار تجدیدنظر کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده درباره تحریم‌های وضع‌شده علیه روسیه را داشت؟

باین‌حال برخی از کارشناسان ازجمله «مایکل سینک»، کارشناس و مشاور سیاسی کاخ‌سفید. در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی چنین خوش‌بین نیستند. سینک در گزارشی برای اندیشکده واشنگتن نوشته است: «از آنجایی که ایران از نظر چین، عنصر مرکزی در گهرند اقتصادی دوحه ایرانیه این کشور است و نقش به‌ظاهر براهمیتی در محاسبات منطقه‌ای چین دارد، تهران را عاملی ضروری در مقابله با نقش محوری واشنگتن در آسیا و برتری نیروی دریایی آمریکا می‌داند. به‌همین‌دلیل با لغو تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، چین حضور خود در اقتصاد این کشور را افزایش خواهد داد[۵]. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا پس از توافق و کاهش تنش میان ایران و غرب، توان قدرت میان چین و آمریکا در

نگاه عربستان به ایران پس از توافق

دمیدن ریاض بر آتش «ایران‌هراسی»

محمد علی عسگری: توافق هسته‌ای ایران و شش گروه قدرتمند جهانی اتفاق غیرمنتظره بود که در تراز تلاش‌های یکجرانه و مدیریت‌شده بودن اوکراین به تسلیحات هسته‌ای ایران و باراک اوباما، در آمریکا، تحقق یافت. در این توافق علاوه‌بر کنترل و سطح برای ایجاد اختلاف و شکاف میان اروپا و بویژه‌بزند اوباما استفاده کند. با این حال، به کمانم تلاش برای تشدید چنین شکافی میان اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها درباره نتیجه استقرار سامانه دفاعی بی‌نتیجه خواهد بود. رئیس‌جمهوری بعدی سرد بین ایران و عربستان» ارزیابی کرد. همین دیدگاه را تا حدودی یک نویسنده دیگر در روزنامه «الحیات» وابسته به عربستان سعودی، بی‌رقبه و نوشته است: «پس از امضای توافق هسته‌ای و ایران و کشورهای غربی، دو سناریو قابل انتظار است: یکی ایران به آغوش خانواده بین‌المللی بازگردد و همین امر تأثیری مثبت بر رفتار این کشور در آینده داشته باشد. سناریوی دوم این است که ایران به دخالت‌های خود در کشورهای منطقه ادامه دهد و همین امر درنهایت موجب غوغ‌گردن کل منطقه در جریان آغاز از بی‌ثباتی و تشنج شود». این دو تحلیل چنان‌که اشاره شد برمبنای «ایران‌هراسی» تنظیم شده‌اند؛ به بیان دیگر سعودی‌ها به‌فقط از توافق هسته‌ای با ایران خشنود نیستند، بلکه هم از ایران حالا دارد زمینه ذهنی را برای حوادث احتمالی آینده آماده می‌کنند و این مسئله‌ای است که باید از چیستی مردان سیاست خارجی ایران دور بماند. نباید فراموش کرد که سعودی‌ها از همان ابتدای گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و کشورهای قدرتمند موضعی دوگانه داشتند. آنها هرچند در ظاهر از آن حمایت کرده یا نسبت به آن ابراز خوش‌بینی می‌کردند، اما در باطن باعرا کشورهای عربی را متوجه «خطر ایران» می‌کردند و حتی در اوج مذاکرات شاهد بودیم که وزیر خارجه سابق عربستان با رفتن به پس و دبدار با «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، در هواپیمای اختصاصی‌اش شور و شوخی را کذاشت و مذاکرات را تحت تأثیر خود قرار داد. دراین‌باره بد نیست به اظهارات اخیر «شاهزاده بندرسلطان» نیز توجه شود که در گفت‌وگو با پایگاه اینترنتی ایلاف با تلگرامی، توافق هسته‌ای با ایران را «فتوکپی برابر اصل توافق آمریکا و کره شمالی در دوران بسل کلینتون» توصیف کرد و مخالفت شدید خود را با آن ابراز کرد. او درعین‌حال یادآور شد در شرایط کنونی حرف‌هایی برای «نگفتن» دارد و نشان داد سعودی‌ها نسبت به این توافق بی‌خوشند همچنان این تحلیل دارند. بااین‌حال، این نکته را هم نباید فراموش کرد که آمریکا در کنفرانس اخیر و مشترکی که با اعراب در کمپ‌دیوید داشت حمایت‌ها به پذیرش درخواست‌های اعراب، به‌ویژه برای ایجاد یک سپر دفاع موشکی در برابر ایران اعتنایی نکرد و باراک اوباما نیز در مصاحبه‌هایش از سیاست‌های عربستان در داخل و خارج و حمایت‌های آنکار و ایران و پنهان این کشور از گروه‌های تروریستی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم انتقاد کرد. اما هنوز که هنوز است عربستان‌سعودی یک «شریک» استراتژیک و یک «متحد قدیمی و پایدار» آمریکا در منطقه به شمار می‌رود.

ادامه در صفحه ۱۹

نگاه

تغییر استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا

فرشید جعفری . استادیار روابط بین‌الملل

مفهوم رابطه در سیاست بین‌الملل دو معنا دارد. در معنای اول رابطه به‌معنای تعامل و روابط میان دولت- ملت‌هاست و در معنای دوم موقعیت و وضعیتی است که دولت‌ها در رابطه با یکدیگر قرار دارند. در واقع چگونگی قرارگرفتن آنها یا نحوه صف‌آرایی آنها در قبال یکدیگر است. فهم درست سیاست بین‌الملل در گرو فهم رابطه قدرت‌های بزرگ در معنای دوم است. برای فهم این رابطه فهم استراتژی‌های کلان آنها و نه سیاست خارجی، ضروری است. با این هدف در این یادداشت استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا از چشم «بری بوزن» (BARRY POSEN) از نویسندگان برجسته سیاست بین‌الملل موردبررسی قرار می‌گیرد. بوزن در مقاله‌ای تحت‌عنوان استراتژی جدید کلان ایالات متحده آمریکا می‌نویسد، بعد از فروپاشی قدرت اتحاد جماهیر شوروی استراتژی کلان ایالات متحده در چارچوب مفهومی هژمونی لیبرال تدوین شد. اما بوزن این استراتژی را غیرضروری، زیان‌بخش، پرهزینه و بی‌فایده توصیف می‌کند که کارایی ضعیفی داشته است. ارزیابی منفی بوزن از این استراتژی تحت‌تاثیر سه رخداد اساسی بوده است: کشرش ناتو به شرق- جنگ گوزوو و جنگ عراق. بسط تعهدات ایالات متحده نه‌تنها تاثیری در ارتقای امنیت ملی ایالات متحده نداشته، بلکه خصومت روسیه را نیز تشدید کرده است. جنگ گوزوو جنگ کوچکی بود که بر پایه اطلاعات ضعیفی توجیه شده بود. جنگ عراق نیز تکرار اشتباهات جنگ گوزوو بود که هم مقیاس آن بزرگ بود و هم هزینه آن بیشتر. جاه‌طلبی‌های سیاسی ایالات متحده که تناسبی با نیازمندی‌های امنیت ملی ایالات متحده نداشت، هزینه‌های نظامی آن کشور را به‌شدت افزایش داد. از این چشم‌انداز است که به بیان بوزن، ایالات متحده نیازمند یک دگرگونی در استراتژی کلان خود است. ایالات متحده مانند سایر دولت- ملت‌ها دل‌مشغول حاکمیت، حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی است، اما با وجود این توسعه، نیروی نظامی پرهزینه و توسل به زور وحشتناک است. با اینکه نمی‌توان انکار کرد که یک ابرقدرت نظامی، هر لحظه باید آمادگی توسل به قدرتش را داشته باشد اما نباید جزء اولویت اول استراتژی کلان موردارزیابی قرار گیرد. با عنایت به مباحث فوق بوزن، دگرگونی استراتژی کلان ایالات متحده را ضروری می‌داند. از این رو، استراتژی «خودداری» جایگزین استراتژی «هژمونی لیبرال» می‌شود. با عنایت به تأثیرگذاری ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر عمده، می‌توان استدلال کرد که هرگونه تغییر در موقعیت آن دولت در سیاست بین‌الملل می‌تواند پیامدهای عمیقی بر تحولات جهان باقی گذارد. تغییر جایگاه و موقعیت یک قدرت بزرگ و اتخاذ استراتژی کلان جدید می‌تواند ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های مناطق را دستخوش تحول کند. کمالیبکه این دگرگونی در منطقه خاورمیانه در دوره دوم ریاست‌جمهوری «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، بیشتر محسوس است؛ حتی می‌توان توافق هسته‌ای با ایران را در این چارچوب ارزیابی کرد. استراتژی جدید ایالات متحده بنا به سخنان بوزن، به عناصر ذاتی و طبیعی ایالات متحده توجه می‌کند؛ عناصری که دفاع از کشور را تسهیل می‌کند. ایالات متحده در مقایسه با سایر دولت‌ها به‌قدر کافی ثروتمند و توانمند است؛ بنابراین بیش از سایر دولت‌ها قادر به تأمین امنیت خویش است؛ ازهمین‌رو منطقی نخواهد بود که مرزهای دفاع نظامی و سیاسی‌اش را بیش از حد گسترش دهد. این کشور در قالب استراتژی خودداری باید بر تعداد محدودی از تهدیدها متمرکز شود و در برخورد با تهدیدها دقت و مهارت‌ورزی را سرلوحه خویش قرار دهد. در چارچوب این استراتژی صرف انرژی برای چانه‌زنی که سرشت است، هوشمندانه نیست. این انرژی‌ها را باید صرف ساختن دوباره ایالات متحده کرد که هنوز نیازمند کارهای بسیاری است. آمریکا در این استراتژی امنیت خود را موسع تعریف نمی‌کند. حرکه آمریکا در چنین کاری زند باز امنیت تأمین امنیت دولت‌های دیگر را نیز باید بر دوش کشد. از بُعد امنیتی، آمریکا با سه چالش مواجه است: ۱- حفظ توازن قدرت در اوراسیا ۲- مدیریت تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ۳- مبارزه سازمان‌های تروریستی بین‌المللی.

استراتژی «خودداری» در رابطه با چالش نخست می‌گوید آمریکا باید با ارزیابی دقیق از وضعیت اوراسیا به بهترین وجه منابع خود را در اختیار حفظ کند. مدتزمان اروپایی به‌سهولت قادر به حفظ استقلال خویشتن هستند و روسیه بیم به‌هیچ‌